

روز چهارشنبه ۸۵/۹/۱۶ در کرمانشاه (منطقه ۲۲ بهمن) در یک حادثه دلخراش، سقف ساختمان پنج طبقه در حال ساخت ریزش می کند و بر اثر آن، دو کارگر ساختمانی به نام های مرتضی (۳۷ ساله) و عزیز (۶۵ ساله) زیر آوار می مانند و یکی از آنها (مرتضی) در همان لحظه جانش را از دست می دهد و دیگری از ناحیه ی کمر و پشت دچار شکستگی می شود. این دو کارگر که چند سالی است برای پیمان کاری کار می کنند، هیچ گونه مزایایی نداشته و بنا به گفته ی همکارانشان دستمزد ناچیزی دریافت می کرده اند و پیمانکار برای روز های تعطیل هیچ مزدی پرداخت نمی کرده است.

با شنیدن این خبر دردناک، وضعیت اسفباری که کارگران ساختمانی در آن به سر می برند، توجه هر کسی را به خود جلب می کند. کارگری که صبح زود، آفتاب نرزه و خورجین بدست از منزل خارج می شود، به امید یافتن کار به سمت میدان می رود. اینکه در میان ده ها نفر دیگر از همکارانش، بتواند راه باز کند و خود را به صاحب کار و یا پیمانکار بقبولاند، کار آسانی نیست. اما بالاخره آن روز و یا چند روز بعد به سر کار می رود. در مورد شرایط کار و دستمزد نمی تواند صحبت کند. او فقط شنونده است: "در قبال این ساعت کار، این مبلغ می دهم، ناهار هم پای خودت، تصمیم بگیر!" او کاملاً "آزاد" است و هیچ فشاری روی او نیست که حتماً باید تن به این کار بدهد. اما از یک طرف به زن و بچه هایش فکر می کند که چند روز است غذای درست حسابی نخورده اند، بدهکار صاحبخانه، بقال و قصاب محله است؛ از طرف دیگر به پشت سرش نگاه می کند و کسانی را می بیند که وضعیتی مشابه او دارند و حاضرند با مزد کمتری کار کنند. بنابراین خیلی زود سوار ماشین پیمانکار شده و راهی محل کار می شوند.

مهم ترین مشکل کارگران ساختمانی، نداشتن کار دائمی است. آنها ممکن است در طول یک ماه، سی روز و یا فقط چند روز کار داشته باشند. اگر چه در چند ساله ی اخیر، انبوه سازی در ایران رشد داشته، اما به دلیل بیکاری عمومی در جامعه، پیدا کردن کار، حتی در نیمه ی اول سال (که شرایط مناسب تری برای ساخت و ساز است) کار آسانی نیست. بر این اساس، پیمانکاران هر شرایطی که بخواهند می توانند به کارگران تحمیل کنند و کارگران هم مجبور به قبول آن می شوند. شرایط کار عموماً بدون هیچ قرار دادی و "توافقی" است. نبود قرار داد و نداشتن بیمه های اجتماعی و بیمه ی بیکاری، موجب می شود که کارگر که همیشه مضطرب و نگران بعد از پایان کار باشد. اینکه چه مدت بیکار می شود و در زمان بیکاری برای تامین امرار معاش خود و خانواده اش چکار کند و چگونه دوباره کار گیرش بیاید، دغدغه ی همیشگی اش است.

علاوه بر این ها، سوانح کار که امروزه به یک اتفاق عادی و طبیعی تبدیل شده است، یکی دیگر از مشکلات کارگران ساختمانی است. استفاده از دستگاه ها و وسایل سنتی و یا فرسوده و نایمن برای حمل و جابجایی بار و مصالح ساختمانی و نبود آموزش لازم چگونه کار کردن با آنها، استفاده از مواد و مصالح غیر استاندارد (که

در مواردی منجر به ریزش دیوار و یا سقف می شود) و امثالهم، منجر به مرگ و یا نقص عضو کارگران می شود. بعد از حادثه، تازه کارگر و یا بازماندگانش متوجه می شوند که هیچ مزایایی هم به آنها تعلق نمی گیرد، چرا که پیمانکار لیست بیمه اش را نفرستاده است. اگر خانواده حادثه دیده خیلی توانا باشند از راه های قانونی کارگر بودن خود را ثابت کنند، شاید مبلغی از صاحب کار بابت سانحه بگیرند.

برای دست یابی به خواسته ها و مقابله با مشکلات کارگران، راه دیگری هم هست: ایجاد تشکل کارگران ساختمانی. برای عملی کردن چنین امری، کارگران مجتمع در میدان کاریابی می توانند لیست کاملی از تعداد خود تهیه کنند و با تشکیل مجمع عمومی، کسانی را به عنوان نماینده انتخاب کنند. این نمایندگان می توانند به اداره ی کار مراجعه کرده و از آنها بخواهند که تشکل شان را به ثبت برسانند. این تشکل می تواند برای دست یابی به مطالبات و خواسته های کارگران ساختمانی اقدامات موثری انجام دهند. مثلاً برای تعیین دستمزد و داشتن قرار داد بین کارگران و پیمانکاران و یا برای گرفتن حق بیمه ی بیکاری و بیمه ی اجتماعی تلاش کند.

شاید در نگاه اول، ایجاد چنین تشکلی غیر ممکن و بعید به نظر برسد، چرا که این کارگران زیر یک سقف نیستند، پراکنده و یا فصلی اند؛ اما این کار شدنی است و پیش از این کارگران بعضی از شهرها از جمله مهاباد و سقز، آن را تجربه کرده اند و می توان از آن استفاده کرد.

کارگران ساختمانی که سازنده ی ساختمان ها و برج های زیبا و شیک هستند و در برابر کاری که انجام می دهند، سود های کلان به صاحبان سرمایه و انبوه سازان می رسانند، خودشان نیز باید از یک زندگی انسانی بهره مند شوند. فرزندان آنها نباید برای تامین معاش، ترک تحصیل کرده و یا تعطیلات تابستان، همراه پدرانشان به کارگری پردازند، بلکه باید از تحصیل، ورزش، تفریح و دیگر امکانات رفاهی بهره مند شوند. برای محقق شدن چنین امری کارگران باید بدانند که تنها به نیروی خود می توانند تکیه کنند و با ایجاد تشکل کارگران ساختمانی، برای دست یابی به خواسته های خود تلاش کنند، چرا که به قول معروف "حق گرفتنی است نه دادنی".

۸۵ / ۹ / ۳۰